



نقش بازآفرینی شهری در زیست پذیری شهری (نمونه مطالعاتی: محله جاوید زنجان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

مهرداد نجفی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) mehrdad.najafi1992@gmail.com

حمیده رشادت‌جو

دانشیار گروه مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران reshadatjoohamideh@gmail.com

علیرضا استعلاجی

استاد گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، تهران، ایران al_estelaji@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: این پژوهش با هدف تعیین نقش بازآفرینی شهری در دستیابی به زیست پذیری شهری در محله جاوید زنجان انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش از نظر شیوه گردآوری اطلاعات توصیفی-تحلیلی از نوع اسنادی و میدانی و از طریق آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل در نرم افزار (GIS, SPSS, EXCEL) قرار گرفت و از نظر هدف کاربردی بود.

یافته‌ها: جامعه آماری پژوهش شامل ساکنین محله جاوید است. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۲۹۶ نفر برآورد شد و برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه زیست پذیری و هویت محقق ساخت با ۲۶ گویه است.

نتیجه گیری: روایی پرسشنامه از لحاظ صوری و محتوایی به تایید رسید. محاسبه پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۳۱ به دست آمد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون K-S و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد بازآفرینی شهری در دستیابی به زیست پذیری شهری در محله جاوید زنجان کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، زیست پذیری شهری، محله جاوید

مقدمه

تر برای زندگی و توسعه شهری رهنمود می‌سازد. پژوهش حاضر نقش بازآفرینی شهری در دستیابی به زیست‌پذیری را بررسی می‌کند.

بیان مسئله

امروزه مسائل شهر و نیز مفاهیم شهروندی به مهم‌ترین مسائل موثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است. پس از انقلاب کشاورزی، شهرنشینی به عنوان دومین انقلاب در طول تاریخ بشریت نامگذاری شده است. شهرها در طول زمان رشد و نمو یافتند تا اینکه در نیمه قرن نوزدهم شهرنشینی تجربه ای جدید به خود دید که تا آن روزگار در شهرها به خود ندیده بودند. پیش از این دوره نیز شهردر مفهوم عام آن اهمیت داشت اما در دوران معاصر این اهمیت توسط طیف وسیع تری از متخصصان ادراک شده است، از این رو پرداختن به تئوری‌های شهر که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقاء کیفیت محیط شهری، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوب‌تر شدن و... مطرح شده اند بیش از پیش مهم است (محمدی ۱۳۹۱، ۴۷). شهر زیست‌پذیر شهری است که در آن می‌توان یک زندگی سالم داشت (cities PLUS 2003, 76). شهر زیست‌پذیر، شهری است برای همه مردم که به عنوان یک اتصال بین گذشته و حال مطرح است. یعنی از یک سو به نشانه‌های تاریخی احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنچه تاکنون متولد نشده است ارجح می‌نهد. اینگونه شهرها علیه هرگونه به‌دردادن منابع طبیعی و آنچه که ما باید به صورت دست‌نخورده برای آیندگان نگه داریم مبارزه کنند بنابراین یک شهر زیست‌پذیر یک شهر پایدار نیز هست. (بندرآباد ۵۱، ۱۳۹۰) زندگی امروزی می‌طلبد که در فضای کالبد شهر با خواسته‌های زندگی امروزی هماهنگ باشد و فضا، قابلیت نیازهای معقول انسان امروزی را داشته باشد. ضرورت انسانی، محور ساخت شهر است (خراسانی ۱۳۹۱، ۵). شهرزنگان با چالشهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری رو به رو است چنانچه مسائل متعددی برای آن ایجاد کرده است که در نتیجه توسعه پایدار شهر و در پی آن زیست‌پذیری آن را تحت تأثیر قرار داده است و محله جاوید زنگان بعنوان یک محله با کیفیت زیست‌پایین و بافت فرسوده نیازمند بازآفرینی شهری در راستای دستیابی به زیست‌پذیریست. زیست‌پذیری شهری به عنوان یک تئوری شهری ضمن طرح مسئله ای در شهر، ما را به سوی داشتن شهری مطلوب

نظام زیستی در شهرها علی‌رغم چرخش سیاست‌های الگوی توسعه شهری در دهه‌های اخیر از توسعه افقی به سرمایه‌گذاری در بافت‌های درون شهری (توسعه درونی)، هم‌از‌حیث ساختار و هم‌حیث کارکرد اجزای حیاتی، با اختلال و ناکارآمدی مواجه است که خود بیانگر اهمیت توجه به محلات شهری در جهت رسیدن به زیست‌پذیری می‌باشد. در این میان شناسایی و درک نیازهای شهروندان (تقاضاهای ذهنی) و زیست‌پذیرسازی (شرایط مناسب عینی) این سکونتگاهها و کیفیت زندگی (رضایت ذهنی) در نواحی شهری را ارتقاء می‌بخشد. (عینی‌لو، بیات و بهرامی ۱۳۹۳، ۳) زندگی امروزی می‌طلبد که در فضای کالبد شهر با خواسته‌های زندگی امروزی هماهنگ باشد و فضا قابلیت نیازهای معقول انسان امروزی را داشته باشد. ضرورت انسانی محور، ساخت شهر است (خراسانی ۱۳۹۳، ۵). مروری برگزیده متاخر نشان می‌دهد بیش از نیم قرن است که بافت‌های فرسوده در ردیف مهم‌ترین فعالیت‌های شهری و شهرداری‌ها، وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی و معماری ایران قرار دارد قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی برای بهسازی و نوسازی این بافت‌ها تصویب و ابلاغ شده است (کامروا ۵۴، ۱۳۸۹). شناسایی بیش از ۶۰ هکتار بافت فرسوده شهری تا اوسط سال ۱۳۸۸ (البلقی ۱۳۸۸، ۱) نیز نشان می‌دهد که بدون تردید مساله بافت‌های رو به زوال و فرسوده و معضلات، مشکلات آن یکی از مهمترین مسائل و مباحث کنونی است که فراروی جامعه تخصصی و حرفه‌مندان شهرسازی کشور قرار گرفته است. این درحالیست که به لحاظ مفاهیم و مصادیق، خصایص و ویژگی‌ها، رویکردهای مواجهه و مداخله با ابهامات جدی رو برو هستیم. بررسی اکولوژیکی بافت محلات شهرزنگان، نشان دهنده ی مرکزیت‌گریزی و مهاجرت شهروندان قدیمی از این بافت‌ها و غیرقابل زیست بودن آن هاست (حبیبی و مقصودی ۱۲، ۱۳۸۷) شهرزنگان با چالشهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری رو به رو است چنانچه مسائل متعددی برای آن ایجاد کرده است که در نتیجه توسعه پایدار شهرودر پی آن زیست‌پذیری آن را تحت تأثیر قرار داده و محله جاوید زنگان بعنوان یک محله با کیفیت زیست‌پایین و بافت فرسوده نیازمند بازآفرینی شهری در راستای دستیابی به زیست‌پذیریست. زیست‌پذیری شهری به عنوان یک تئوری شهری ضمن طرح مسئله ای در شهر، ما را به سوی داشتن شهری مطلوب

که امروزه در بسیاری از شهرها دیده می‌شود (Wheeler 2001, 6) از طرف دیگر اهمیت زیست پذیری به طور روز افزونی ناشی از افزایش آگاهی نسبت به الگوهای ناپایدار زندگی و مصرف شهری است که نه سالم هستند و نه پایدار و در دراز مدت موجب کاهش توان منابع محیطی برای حمایت از جمعیت کره زمین می‌شوند. سکونتگاههای زیست پذیرتر، احساس بهتری از اجتماع و مالکیت را ایجاد نموده و نرخ مهاجرت از آنها پایینتر است. در حالی که ممکن است عده ای از ساکنان بهبود زیست پذیری را به عنوان وسیله ای برای بهبود ارزش املاک و مستغلات در نظر بگیرند، اما اکثریت ساکنان هر سکونتگاه زیست پذیری را به عنوان عاملی برای بهبود شرایط مکان برای زندگی، خرید، استراحت، رشد کودکان و ایجاد اجتماعی از دوستان و خانواده‌ها می‌بینند. اما این نکته همیشه باید مورد توجه قرار داشته باشد که نگرش مثبت در مورد یک اجتماع نمی‌تواند لزوماً به معنای این باشد که آن اجتماع دارای موقعیت مناسب از نظر زیست پذیری است. علت این مسئله این است که مردمی که از وضعیت خود ناراضی هستند، می‌توانند در مورد اجتماع خود دارای نگرش مثبتی باشند، زیرا آنها از کمبودهای واقعی که در اجتماعاتشان وجود دارد و امکاناتی که می‌تواند در اجتماع وجود داشته باشد آگاهی کافی ندارند (Evans 2002, 15-13). به یقین هیچ شهروانی دارای سوابق تاریخی نیست که بافت فرسوده نداشته باشد. این امر حاکی از چالشی سترگ در مسیر توسعه شهری ایرانی است. بی تردید به زندگی بازگرداندن بافت‌های فرسوده پرهزینه است لیک بنا نهادن بافتی دیگر، گذشته از این نوگرایی ارزشی والاست اما نه در قبال حذف و بی توجهی به تاریخ، اصالت و انگاره شهر به هر رو، بافت فرسوده گره ناگشوده ای است در حیات و حیات شهر ایرانی، و بی توجهی بدان تنها در همان بافت فرسوده نمی ماند و هژمونی نقص خود را در همه سیستم شهری منعکس می‌کند (فقر، محرومیت در هر جا تهدیدی برای همه جاست). بدین سان پرداخت و پردازشی علمی، کارآمد، یکپارچه و پایدار چنین مساله ای کاملاً ضروریست. در این پژوهش برای اولین بار با در نظر گرفتن جایگاه محلات شهری و تاثیرات رویکرد بازآفرینی شهری در جهت رسیدن به افزایش کیفیت زندگی در محله جاوید شهرزجان و بررسی و افزایش زیست پذیری محله مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی قرار می‌دهد. براساس آخرین سرشماری ۱۳۹۵ جمعیت محله جاوید شهرزجان ۱۵۳۹ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) نبود یک برنامه ریزی درست و منطقی این محله را در آینده ای نه چندان دور به محله ای تبدیل خواهد کرد که حتی زیستن در آن دچار مشکل خواهد بود. بنابراین، مطالعه محله جاوید شهرزجان بعنوان یک محله زیست پذیر مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت و هدف پژوهش

بررسی تاریخی شهرنشینی در ایران نشان می‌دهد شهرهای تاریخی ایران شالوده سازمان فضایی - کالبدی و اجتماعی شهر برنظام محله بندی استوار بوده است و محله به عنوان واحد پایه ای و نظم دهنده از ساختار فضایی و اجتماعی شهر آنچنان تاثیری در شکل گیری شهر داشته که شهرها بر اساس وجود محله‌ها تعریف می‌شدند. بازآفرینی سیستم مدیریت شهری مهم تر از بازآفرینی شهری است، بازآفرینی شهری سیاستی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهرهاست به نحوی که منجر به ارتقای قابلیت زیست پذیری شهرها و کیفیت زندگی شهروندان می‌شود. این سیاست به صورت توأمان، پیشگیری و حل مشکلات شهری در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی را از طریق اتخاذ نگرش فضایی راهبردی و شهرنگر مورد توجه قرار می‌دهد از این رو حل چالش‌های شهری به صورت چند وجهی مورد توجه قرار می‌گیرد به گونه ای که توسعه های اجتماعات محلی را در پی داشته باشد. بازآفرینی شهری دربرگیرنده شبکه ای از اقدامات و برنامه‌های منعطف در مقیاس فضائی مختلف و در مسیر اهداف توسعه پایدار و زیست پذیری شهری است و در تمامی سطوح مشارکت حداکثری تمامی کنشگران و ذینفعان به ویژه مردم را به همراه دارد (مشارکت واقعی) بازآفرینی شهری و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان به عنوان مولفه هایی در جهت رسیدن به زیست پذیری شهری در گرو تعریف و اجرای مجموعه ای مستقل از برنامه‌ها و اقدامات هماهنگ و هم افزا در مقیاس شهری و محله ای است. ویلر در تحقیق خود در کالیفرنیا تهدیدهای متعدد از میان برنده کیفیت زندگی شهری را که به صورت رشد شهری، ازدحام و شلوغی، کمبود فضاهای باز، کمبود خانه سازی در حد استطاعت، رشد بی عدالتی اجتماعی و از دست دادن هویت کالبدی، حس مکان و زندگی اجتماعی تجلی یافته است را نشان می‌دهد، امری

ادبیات پژوهش

۴- زیست پذیری

فرهنگی وارزشی است که در آن زندگی می‌کند و با اهداف، معیارها، و دغدغه‌های او ارتباط دارد. این امر بسیار گسترده است و به شیوه ای پیچیده تحت تأثیر سلامت فیزیکی، حالت روانی و میزان استقلال و روابط اوبا جنبه‌های مهم محیط وی قرار دارد (who qol group 2013, 5).

زیست پذیری مفهومی پیچیده، چند بعدی و کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است (Norris & Pittman 2000, 128). زیست پذیری ازواژه Livability یا Livability معانی مشابهی نظیر: «مناسب برای زندگی»، «فراهم ساختن کیفیت زندگی خوب» و همچنین «مکان مناسبی برای زندگی» ارائه شده است (Cowan & Hall 9, 2005). بدین ترتیب باید گفت که زیست پذیری به نوعی به تبیین مفهوم «شرایط زندگی» در محدوده مکانی و زمانی مورد نظر می‌پردازد و در تلاش است شرایط و قابلیت‌های زیستی موجود در یک مکان را تبیین نماید. به همین جهت، زیست پذیری منعکس کننده رفاه یک اجتماع محلی است و مشتمل بر بسیاری از خصوصیات است که یک مکان را تبدیل به جایی می‌کند که مردم تمایل به زندگی در آنجا در زمان حال و آینده دارند (Victorian Competition and Efficiency Commission 2008, 10).

۳- توسعه شهری

توسعه شهر فرآیندی است متأثر از عوامل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی که در طول تاریخ مراحل مختلفی را طی کرده است. اصولاً توسعه شهری مترادف با توسعه فیزیکی لحاظ می‌گردد و به نوعی گسترش فضایی شهر در نظر گرفته می‌شود. در این رابطه توسعه شهری عبارت است از فرآیندی پویا و مداوم که طی آن محدوده‌های فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی آن در جهات عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می‌یابد و اگر این روند سریع و بی برنامه باشد به ترکیب فیزیکی مناسبی از فضاهای شهری نخواهد انجامید و در نتیجه سیستم‌های شهری با مشکلات عدیده ای مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر به افزایش کمی و کیفی کاربری‌ها و فضای کالبدی (مسکونی، تجاری، مذهبی، ارتباطی و...) یک شهر در ابعاد افقی و عمودی که در طول زمان انجام می‌گیرد، می‌توان توسعه فیزیکی اطلاق نمود (موحد و صمدی ۱۳۹۰، ۴). اگر توسعه شهری را از بعد کالبدی بررسی کنیم توسعه شهری عبارت خواهد بود از روندی معقول برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های شهروندان و دربرگیرنده فضاهای کالبدی، جهت کارکردهای نوین که در حالتی مطلوب و ارگانیک پا به پای تحولات اجتماعی حرکت می‌کند.

۲- کیفیت زندگی

کیفیت زندگی یک مفهوم چند وجهی، نسبی و متأثر از زمان، مکان و ارزشهای فردی و اجتماعی است که از یک سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر ابعاد ذهنی و درونی دارد (رضوانی و منصوریان ۱۳۸۷، ۲). در واقع کیفیت زندگی به نوعی بیانگر وضعیت افراد ساکن در یک کشور و منطقه است (robback 2012, 1259). هر چند که در گذشته محققان برای سنجش کیفیت زندگی دسته‌هایی از مردم مانند افراد سالخورده و بیماران را به عنوان جمعیت‌های هدف مورد مطالعه قرار می‌دادند (schuessler et al 2005, 134). به نظر برخی از محققان کیفیت زندگی به معنای احساس کلی خوشبختی است (milbrath 2008, 36). آنها در این تعریف خوشبختی را نوعی ارزیابی عاطفی کیفیت زندگی می‌دانند که از مقایسه میان خواسته‌های فرد با دستاوردهای واقعی اش حاصل می‌شود (George 2011, 351). طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی ادراک فرد از موقعیت زندگی خود در چارچوب نظام‌های

۴- الگوی توسعه شهری

به نحوه توسعه و گسترش کالبدی شهر در گذر زمان و تغییر شکل آن بواسطه تغییرات در کاربری زمین و سطوح متراکم برای رفع نیازهای ساکنان شهر به منظور دستیابی به مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا با برنامه از پیش تعیین شده یا بدون برنامه منظم را الگوی گسترش فضایی شهری می‌گویند (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۷: ۲۶).

۵- ساختار فضایی شهری

شهری، ساختار فضایی را می‌توان به عنوان توزیع فضایی جمعیت و فعالیت و همچنین سیستم حمل و نقل که متصل کننده جمعیت به فعالیت است تعریف نمود. بنابراین مطالعه و تجزیه و تحلیل ساختار فضایی سیستم شهری با شناسایی نحوه توزیع جمعیت و فعالیت آغاز می‌شود (Sun 2009, 18). پس از هر رویکرد و نگرشی که به شهر توجه شود براساس آن می‌توان ساختار فضایی شهر و شاخص‌های مربوط به آن را تبیین و تحلیل کرد. بنابراین ساختار فضایی محصول فرآیند فضایی است که در آن فضا به وسیله فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سازمان می‌یابد. نظریه‌های ساختار فضایی به مدیریت فضا و نظم بخشی نحوه روابط و پیوند بین سکونتگاه‌ها و جریان‌ها بین آنها می‌پردازد.

۶- بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری را می‌توان تکامل از رویکرد نوسازی شهری در دهه‌های اخیر (به ویژه از ۱۹۹۰ به بعد) دانست که پس از اصلاحات بسیاری که بر روی فرآیند نوسازی شهری صورت گرفته است، به عنوان رویکردی یکپارچه و دربرگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... مطرح گردیده است. بازآفرینی شهری طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که هدف آنها احیای بافت‌های شهری، تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی این بافت‌ها، احیای ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و تاسیسات شهری و درحالت کلی، تزریق زندگی به این بافت‌هاست. (Lichfield 2000, 11) بادر نظر گرفتن این نکته که بخش عظیمی از بافت‌های شهری کشورمان را بافت‌ها و محلات فرسوده و ناکارآمد و گاهاً قدیمی شکل می‌دهند، می‌توان از رویکرد بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی جامع، جهت مداخله در بافت‌های شهری که ضمن توجه به حفظ میراث تاریخی و گذشته بافت‌ها، نیازهای ساکنین کنونی آن را نیز مدنظر قرار می‌دهد، بهره گرفت.

ساختار فضایی حاصل فرآیندهای تاریخی، کالبدی و شرایط متحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و متشکل از عناصر و عواملی است که چگونگی استقرار و نحوه ارتباط میان آنها را با درجه معینی از انتظام و ظرفیت عملکردی بیان می‌کند (داداشپور و تدین ۱۳۹۴، ۴). بنابراین بررسی ساختار فضایی شهر دربرگیرنده تمامی نیروها و عوامل سازنده آن است. در این رابطه ساختار فضایی محصول فرآیند فضایی است که در آن فضا به وسیله فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سازمان می‌یابد، این سازمان یابی از محل استقرار عناصر و اجزای داخلی یک پراکنندگی فضایی تأثیر می‌پذیرد محل استقرار هر جزئی نسبت به هر یک از اجزاء دیگر و جایگاه هر جزئی نسبت به همه اجزاء با هم و توأم سازمان یابی فضایی را شکل می‌دهند. در واقع ساختار فضایی از آرایش و سازمان یابی پدیده‌های سطح زمین که نتیجه فرآیندهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است بوجود می‌آید (شکویی ۱۳۹۵، ۲۹۵) در واقع ساختار فضایی شامل نیروها و عوامل داخلی و خارجی شهر است، یعنی عواملی که شهر را بوجود آورده و عواملی که شهر بر آنها تأثیری گذارد و موجب شکل‌گیری فرآیندها و زیر سیستم‌های دیگر می‌گردد، بدین ترتیب ساختار فضایی تجلی کالبدی روابط درونی و بیرونی واحدهای یک مجموعه فضایی (سازمان فضایی) و جایگاه اجزای آن بستر محیط کالبدی است. یک ساختار فضایی معمولاً روابط عمومی سطوح سازمان فضایی اش را به صورت نظام‌های گوناگون ارتباطی منعکس نموده و روابط افقی واحدها را از طریق حوزه‌های نفوذ و قلمرو نشان می‌دهد (اشکوری ۱۳۹۱، ۲۴). به طور کلی ساختار فضایی نامناسب می‌تواند منجر به افزایش فواصل میان افراد، فعالیت‌ها، خدمات و در نتیجه افزایش جدایی و تفکیک نیروی کار و بازار مصرف کننده، کاهش کیفیت محیط زیست و در نتیجه کاهش سطح کیفیت زندگی گردد (Hepp 2011, 249). بر مبنای رویکرد اقتصاد

جدول ۱: سیر تکامل مرمت شهری

دوره	بازسازی ۱۹۵۰	باززنده سازی ۱۹۶۰	نوسازی ۱۹۷۰	توسعه مجدد ۱۹۸۰	بازآفرینی ۱۹۹۰
راهبرد اصلی	بازسازی و گسترش مناطق قدیمی تر شهرها براساس یک طرح جامع.	تداوم راهبردهای دهه قبل، رشد حومه ای و تلاش‌های آغازین برای توانمندسازی.	تمرکز بر روی نوسازی در جای اولیه و توسعه در حاشیه شهر.	طرح‌های متعدد بزرگ در خارج از شهر.	تمرکز بر روی راه حل‌های یکپارچه و سیاستگذاری جامع.

منبع: صحنی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳، ۴۳

مشکلات مرکز شهر لیورپول، که به تظاهرات و ناآرامی های گسترده ای انجامیده بود، آغاز کرد، واژه «تجدید نسل شهری» به طور جدی و مستقل مورد استفاده قرار گرفت، البته در حوزه مرمت و حفاظت شهری، واژه «تجدید نسل» را می‌توان با «بازآفرینی شهری» جایگزین کرد (لطفی، ۸۰، ۱۳۹۳).

در کل تعریف بازآفرینی شهری به میزان توسعه و پیشرفت کشورها بستگی دارد و می‌تواند اقدام و تصویر یکپارچه و جامعی برای حل مشکلات شهری باشد و به دنبال ایجاد بهبود در پایداری شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محدوده مورد نظر باشد. (Galdini, 2005, 16) به طور خاص می‌توان گفت که از سال ۱۹۸۱ وزمانی که مایکل هزلتاین، مبارزه خود را در جهت حل

جدول ۲: واژه شناسی بازآفرینی شهری

واژه لاتین	معنای لغوی	معنای مفهومی	هدف	اصول	زمان اقدام
Regeneration	- بازآفرینی و معاصر سازی. - تجدیدنسل و از نو سر بر آوردن. - نو شدن و به روز شدن.	خلق فضای شهری جدید باحفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) قدیم؛ شباهت‌های ظاهری و تفاوت‌های رفتاری هنجاری؛ هویت متفاوت	- بازآفرینی فضا با ویژگی‌های ارزشهای کهن فضا. - بهسازی، نوسازی و بازسازی؛ شخصیت و هویت مستقل یافتن.	- خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز. - بازآفرینی و تعریف مجدد ارزشهای کهن برای پاسخگویی به نیازهای معاصر.	- مستمر - مقطعی - بلندمدت

منبع: حبیبی و مقصودی، ۲۵، ۱۳۸۷

جدول ۳: اهداف بازآفرینی شهری

زمینه‌های مختلف	اهداف بازآفرینی شهری
کالبدی	- سازماندهی سازمان فضایی- کالبدی شهرها و نحوه استفاده از زمین. - ضوابط منطقه بندی، ساختمان سازی، تامین معیارهای ساخت و ساز. - مرمت و آسایش زیستی.
اجتماعی	- توسعه مسکن شهری، تاسیسات و زیرساخت‌های محلی. - توجه به ارزش‌ها و برتری‌های جامعه و گروه‌های اجتماعی. - توجه به نیازها و گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ.
اقتصادی	- نوکردن اقتصاد شهری. - ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری.
فرهنگی	- تقویت میراث معماری و گردشگری شهری. - جذب موسسات دانشگاهی.
زیست محیطی	- بهبود شرایط زندگی. - مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی.

منبع: نگارنده با استناد به Roberts and Sykes, 2000 و Galdini, 2005

جدول ۴: شناخت مفهوم محله براساس عناصر و مولفه‌های اصلی آن در حوزه‌های علمی مختلف

مضامین مشترک	عناصر و مولفه‌های اصلی	حوزه‌های علمی
	<ul style="list-style-type: none"> دارا بودن همبستگی و روابط متقابل. دارا بودن محدوده و حریم معین. محله به عنوان واحد اجتماعی. 	جامعه شناسی شهری
	<ul style="list-style-type: none"> حوزه مسکونی در مقیاس کوچک. روابط میان ساکنان. افراد ساکن در یک حوزه مسکونی. کیفیت روابط و تعاملات. 	علوم اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> دارا بودن محدوده مشخص در شهر. حس همبستگی و روابط متقابل بین ساکنان. هویت جمعی و اشتراک اهداف بین ساکنان. یکپارچگی فضا و فعالیت در محدوده محله. 	<ul style="list-style-type: none"> محدوده مشخص و معین در بافت شهر. رویارویی و برخورد چهره به چهره. تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل. هدفمندی سکونت در موقعیت مکانی معین. 	جغرافیای شهری
	<ul style="list-style-type: none"> بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر. هویت و موجودیت اقتصادی و اجتماعی پویا. توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی. محدوده شهری معین. دارا بودن ترکیب متوازنی از فعالیت ها. دارا بودن مرکز معین. وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی. 	برنامه ریزان شهری

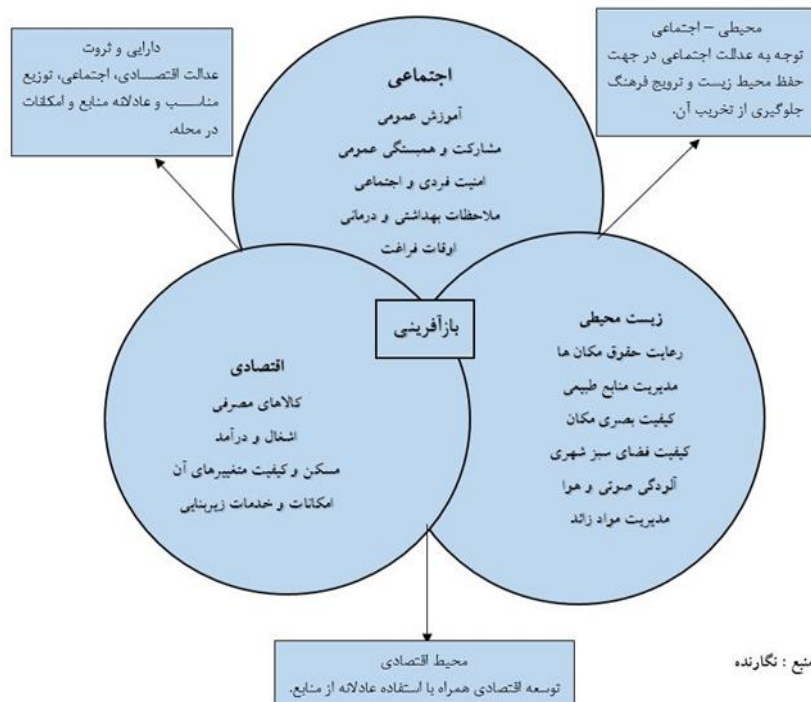
منبع: عبداللهی و همکاران ۱۳۸۸، ۷۲

آن دارد که انگاره‌های ترویج حیات مدنی و کیفیت محیط زندگی بیشترین تاثیر را بر هویت مندی محله خواهند داشت. همچنین انگاره‌های مردم گرایی، بومی گرایی و توسعه اقتصادی اولویت‌های بعدی را در این زمینه دارا می‌باشند. بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با میزان تاثیرگذاری هر یک از معیارها بر هویت محله و حس تعلق ساکنین با توجه به ویژگی‌های محلی محدوده نشان می‌دهد که در بعد حیات مدنی معیارهای خاطره انگیزی، ضریب ماندگاری، فضای ملاقات، امنیت و فضاهای بی دفاع؛ در بعد کیفیت محیط زندگی معیارهای بهداشتی، امنیت و ایمنی، مدت اقامت و مالکیت ساکنین، فضای عمومی و خدماتی؛ در بعد مردم گرایی معیارهای مشارکت داوطلبانه مردمی و انتخابات محلی، در بعد بومی گرایی معیارهای پایبندی به آئین و سنن، توسعه در راستای هویت قدیمی، حفظ ارزشهای کالبدی، و در بعد اقتصادی معیارهای سطح اشتغال و پایداری منابع محیط زیست بیشترین اهمیت (ارجحیت) و تاثیر را بردستیابی به هدف نهایی پژوهش خواهند داشت.

شکل زیر مدل بازآفرینی شهری که در آن روابط اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی نشان داده شده است، ادغام این سه شاخص در نهایت به ایجاد زیست پذیری منجر می‌شود. در هر یک از شاخص‌های بازآفرینی به متغیرهای اصلی آن اشاره شده است و سپس برای هر یک که از برخورد لایه‌های اقتصادی با اجتماعی، اجتماعی با زیست محیطی و زیست محیطی با اقتصادی تهیه شده است نام گذاری شده و اصطلاح آن به صورت مختصر تعریف شده است. با توجه به اینکه موضوع تحقیق بازآفرینی محله جاوید زنگان در راستای دستیابی به زیست پذیری شهری است در همین جهت مدل دارای سه بعد اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد که هر کدام اثربخشی بر بازآفرینی دارند که با مدل در شکل شماره ۱ نشان داده می‌شود.

هدف این تحقیق دستیابی به مفهوم جامع بازآفرینی شهری در سطح محلی برای بالابردن کیفیت زیست پذیری شهری است و به دنبال آن راهکارهایی هویت بخش جهت بهبود وضعیت کالبدی-اجتماعی محله جاوید زنگان بوده است. ارزیابی و نتایج تحلیل‌ها نشان از





شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

پیشینه پژوهش

بستر حضور و گسترش ایده زیست پذیری را میتوان آمریکا دانست. آنچه که بیش از همه در این بستر جغرافیایی واجد توجه است درهم تنیدگی سیاست گذاریهایی مقیاس کلان با این مفهوم برنامه ریزی محیطی است که سیر تاریخی آن را می‌توان اینگونه جستجو کرد. واژه شهرهای زیست پذیر برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط اداره ملی هنرها به منظور دستیابی به ایده‌های برنامه ریزی شهری مدنظر آنان و به دنبال آن توسط سایر مراکز و سازمانهای تحقیقاتی نظیر اداره حفاظت محیطی که مطالعات گسترده‌ای در خصوص زیست پذیرترین شهرهای آمریکا انجام داده است، به کار گرفته شد. به دنبال آن نفوذ این واژه در ادبیات مرتبط با این حوزه را می‌توان در سال ۱۹۷۵ در نوشته‌های ویلیام مارلین در خصوص مکانهایی جستجو کرد که سبب شد تا Saturday Review و Christian Science Monitor زیست پذیر در مجلات چندی بعد شهردار وقت آتلانتا شهرهای زیست پذیر راسنگ بنای سیاست شهری معرفی نموده و به این ترتیب این واژه را به نظام سیاسی و تصمیم گیری وارد نماید (Mc. Nulty 1998,200).

در اروپا مطالعات مرتبط با ارائه تعریف در خصوص شهرزیست پذیر حداقل به سال ۱۹۷۵ باز می‌گردد زمانی مجموعه‌ای از مقالات کوتاه متخصصان و دانشگاهیان را

در خصوص Landscape Architecturi که مجله ایجاد شهرهای زیست پذیر منتشر کرد، هر چند که در هیچ یک از این مقالات نویسندگان واژه زیست پذیری را مستقیماً به کار نگرفتند. اما مقالات در خصوص مسائل شهری حال حاضر و راههای برای تغییر شهر مرکزی به محیطهای جذاب، طبیعت زیبا در داخل جنگلی از بتن و... بودند و هریک از آنها بر اساس یک ایده شخصی به دنبال دستیابی به پاسخی برای این پرسش بود "که چه چیز شهر خوب را ایجاد میکند آرزوی توصیف و تشریح شهر خوب" با استفاده از تئوریهای هنجاری، زیست پذیری را تعریف میکنند. (Larice 2005,120) و اواسط دهه ۱۹۸۰ هدایت میکرد. محققانی که رویکردهای تجربی و هنجاری را برای تشریح زیست پذیری به کار می‌گرفتند عمدتاً چهره‌های برجسته دانشگاهی و نظریه پردازان را در برمی گرفت که از تجارب فردی، مشاهده، تحقیقات تجربی، نمونه‌های موردی و... به عنوان ابزاری برای فهم مکانهای زیست پذیر استفاده میکردند. (Ibid, 122) از طرفی پس از جنگ جهانی دوم در عمده کشورهای درگیر «جز ایالات متحده آمریکا». شناخت علل رکود برخی بافت های شهری و چگونگی مواجهه و مداخله در آنها به منظور کارآمدی بیشتر و خروج از چرخه افت در قالب رویکردها و سیاست‌های مختلف پیگیری شده است. واژه بازآفرینی سخن از دیدگاهی بس گسترده دارد و افقی نو

یکدیگر دارند و ثابا پرسشنامه پژوهش، از پایایی بالایی برخوردار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

ببررسی وضعیت زیست پذیری در ابعاد کالبدی و زیست محیطی در محله جاوید شهر زنجان پرداخته شد و در کنار اینها، نقش طرح تفصیلی نیز تبیین و تحلیل گردید. سعی شد در نمونه آماری تعداد زنان و مردان یکسان باشد که بیشترین آن‌ها در گروه سنی ۱۸ الی ۳۰ سال، دارای تحصیلات لیسانس، شغل آزاد و اغلب آنها ساکن محله بوده‌اند. ساختارها و مولفه‌ها در سه دسته کلی مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و مولفه‌های کالبدی-فضایی تقسیم بندی شده بودند. نتایج نشان داد که میزان رضایت از مولفه‌ها متفاوت بوده است در برخی نیز مانند میزان مشارکت ساکنان، میزان تمایل به سکونت در بافت، میزان حس تعلق به محله، امنیت اجتماعی، کیفیت تعاملات اجتماعی و جایگاه سکونت میزان رضایت نیز در سطح مطلوبی بوده است. در حالی که در برخی شاخص‌ها مانند رضایت از امکانات و تسهیلات ارائه شده به بافت فرسوده و رضایت از اقدامات مدیران شهری در سطح پایینی ارزیابی شد. به عقیده آنها این بافت‌ها با ارزش تر از آن هستند که به حال خود رها گردند. اجرای طرح‌های بازآفرینی در باز زنده سازی این فضاها موثر می‌باشد. موقعیت محله جاوید یکی از مهم ترین مزیت هایی است که دسترسی را به خدمات عمومی تسهیل کرده است. نتایج میدانی نیز این امر را تأیید می‌کند. اغلب بافت محله جاوید دارای کیفیت قابل نگهداری و مرمتی بوده اغلب یک طبقه می‌باشند. اغلب ساختمان‌ها دارای قدمتی بالاتر از ۳۰ سال بوده و بیشتر آنها ریزدانه می‌باشند. با توجه به اینکه محله جاوید از محلات پر رفت و آمد است کیفیت معابر نیز متاثر از آن هستند. همچنین نتایج آزمون استنباطی نیز نشان داد که متغیرهای تمایل ساکنان به سرمایه گذاری در بافت، دسترسی مناسب به خدمات عمومی و امکانات شهری، جایگاه اجتماعی (سابقه سکونت) و میزان حس تعلق ساکنان به بافت کمتر از میانگین حاصل شده اند که نشانگر وضعیت نامطلوب متغیرها در محله مورد مطالعه می‌باشد. در این میان متغیرهای وجود استانداردهای زندگی، دسترسی آسان به امکانات تفریحی و سرگرمی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت و میزان مشارکت ساکنان به سمت میانگین تمایل داشته و نیازمند

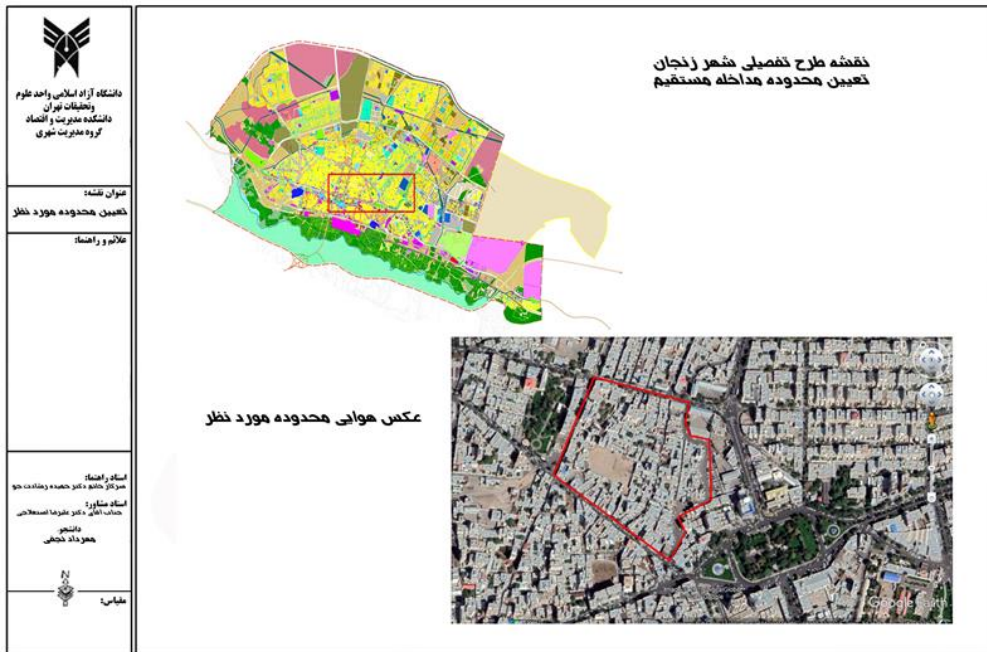
را برای بافت فرسوده، قدیمی و تاریخی به میان آورده است. اگرچه در طول این سال‌ها در کشورهای توسعه یافته به خصوص در انگلستان بارها نو به نو شده و غنایی فراوان یافته لیک در شهرسازی وطنی جایگاه و پایگاهی مناسب نیافته است. بررسی منابع و پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد نه تنها پژوهشی به طور اختصاصی و تفصیلی در این مورد صورت نگرفته بلکه در مسائل و مفاهیم اولیه چون فرسودگی، بافت فرسوده و... کتب و متون و مقالات تخصصی مرمت شهری در راستای ارتقای زیست پذیری به آن پرداخته نشده است.

روش پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش پژوهش، تحلیلی-اکتشافی است. چرا که پژوهش حاضر به دنبال تحلیل وضع موجود و پیش بینی و کشف وضعیت شاخصها در آینده براساس روند فعلی است. شاخص‌های بازآفرینی استخراج و میزان تاثیر آن در زیست پذیری شهری سنجش و سپس این شاخص‌ها در قالب بررسی‌های آماری و مصاحبه با نخبگان و متخصصین شهری و مردم شهر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و در نهایت به صورت یک فایل جامع GIS ارائه شد. لذا این پژوهش، با یک رویکرد قیاسی، از شناخت جزء به جزء در وضع موجود، یک نتیجه گیری کلی از وضع آینده خواهد نمود. محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر شامل تمام ساکنین محله جاوید شهر زنجان است، بنابراین جامعه آماری این پژوهش طبق آخرین سرشماری شهر زنجان در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۵۳۹ نفر می‌باشد. در این پژوهش جهت دستیابی به اهداف مورد نظر پژوهش، پرسشنامه بر اساس ادبیات حاکم بر بازآفرینی و تاثیر آن در زیست پذیری استفاده شده است. با توجه به جمعیت ۱۵۳۹ نفری جمعیت با استفاده از روش نمونه گیری کوکران ۲۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای توزیع پرسشنامه نیز از روش تصادفی ساده استفاده شده است، لذا روش گردآوری اطلاعات با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، به دو صورت کتابخانه ای و میدانی بوده است به منظور تعیین روایی پرسشنامه از نظر ۱۰ نفر از اساتید شهرسازی و برنامه ریزی شهری استفاده گردید و همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ضریب آلفا ۰/۸۳۱ بدست آمد مقدار این آمارها نشان می‌دهد که اولاً سوالات پرسشنامه همبستگی بالایی با

موفق بافت‌های فرسوده، ادغام و یکپارچه سازی رویکردهای بخشی از طریق مشارکت مردمی است. ماهیت یکپارچه بازآفرینی شهری را باید ایجاد مشارکت مناسب برای هدایت فرایند مذکور به سمت ارتقاء کیفیت زندگی تقویت کرد. بنابراین هماهنگ و توافق میان شهروندان و دستگاه‌های اجرایی یکی از مهمترین مباحث است. در بخش دوم نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که شهر زنجان با کمبودها و ضعف‌های محیطی و کالبدی- فضایی

بهبودی می‌باشند. درحالی که متغیرهای میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت و میزان ارزش و صرفه اقتصادی بافت جامعه مورد مطالعه بیشتر از میانگین حدانتظار حاصل شده و مطلوبیت فراوانی دارند. بدین ترتیب توجه به بافت‌های فرسوده، نیازمند نگاه متفاوت نسبت به گذشته به اینگونه بافت‌ها براساس رویکردهای جدید می‌باشد. یکی از رویکردهای جدید، رویکرد بازآفرینی می‌باشد. پیش شرط برای بازآفرینی



شکل ۲: نقشه محدوده مورد مطالعه و نقشه‌های نوع کاربری، عمرانیه، کیفیت ابنیه، تعداد طبقات
 منبع: نجفی ۱۳۹۸، ۵

جدول ۵: آمار تک نمونه ای

Test Value = 2.5						متغیرها
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰.۲۸	۰.۱۲	۰.۱۹۶	۰.۰۰۰	۲۹۵	۴.۸۱۵	میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت
-۰.۶۰	-۰.۸۲	-۰.۷۱۳	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۲.۶۲۰	میزان مشارکت ساکنان
-۰.۴۶	-۰.۶۵	-۰.۵۵۷	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۱.۵۶۰	میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت
-۰.۷۱	-۰.۹۱	-۰.۸۱۱	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۶.۶۳۷	امنیت اجتماعی
-۰.۹۴	-۱.۱۳	-۱.۰۳۴	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۲۱.۴۰۶	میزان حس تعلق ساکنان به بافت
-۰.۸۲	-۱.۰۲	-۰.۹۱۹	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۷.۴۵۳	کیفیت تعامل‌های اجتماعی
-۰.۹۲	-۱.۱۳	-۱.۰۲۴	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۹.۴۹۲	جایگاه اجتماعی (سابقه سکونت)
۰.۲۰	-۰.۰۱	۰.۰۹۱	۰.۰۰۰	۲۹۵	۱.۷۰۳	میزان ارزش و صرفه اقتصادی بافت
-۰.۹۵	-۱.۱۷	-۱.۰۶۱	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۹.۵۵۷	دسترسی مناسب به خدمات عمومی و امکانات شهری
-۰.۸۹	-۱.۰۹	-۰.۹۸۶	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۹.۱۴۱	دسترسی آسان به امکانات تفریحی و سرگرمی
-۰.۷۵	-۰.۹۶	-۰.۸۵۱	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۱۵.۹۹۲	وجود استانداردهای زندگی
-۰.۹۲	-۱.۱۱	-۱.۰۱۴	۰.۰۰۰	۲۹۵	-۲۰.۵۷۲	تمایل ساکنان به سرمایه گذاری در بافت

محیط زندگی بیشترین تاثیر را بر هویت مندی محله خواهند داشت. همچنین انگاره‌های مردم گرایی، بومی گرایی و توسعه اقتصادی اولویت‌های بعدی را در این زمینه دارا می‌باشند. بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با میزان تاثیر گذاری هریک از معیارها بر هویت محله و حس تعلق ساکنین با توجه به ویژگی‌های محلی محدوده نشان می‌دهد که در بعد حیات مدنی معیارهای خاطره انگیزی، ضریب ماندگاری، فضای ملاقات، امنیت و فضاهای بی دفاع؛ در بعد کیفیت محیط زندگی معیارهای بهداشتی، امنیت و ایمنی، مدت اقامت و مالکیت ساکنین، فضای عمومی و خدماتی؛ در بعد مردم گرایی معیارهای مشارکت داوطلبانه مردمی و انتخابات محلی، در بعد بومی گرایی معیارهای پایبندی به آئین و سنن، توسعه در راستای هویت قدیمی، حفظ ارزشهای کالبدی، و در بعد اقتصادی معیارهای سطح اشتغال و پایداری منابع محیط زیست بیشترین اهمیت (ارجحیت) و تاثیر را بر دستیابی به هدف نهایی پژوهش خواهند داشت، ادبیات زیست پذیری در برنامه ریزی شهری و شهرسازی مباحثاتی از قبیل ایجاد جامعه قابل سکونت و امن برای شهروندان و الزامات مورد نیاز آن را مطرح می‌نماید و به طور فزاینده؛ مفهوم تقویت جامعه در سطح تراز اول مفهوم زیست پذیری قرار می‌گیرد. در این رابطه اصطلاحات متخلفی مانند توسعه شهر سالم، شهر خلاق، شهر پایدار و شهر هوشمند به منظور ارتقاء کیفیت زندگی مردم مطرح می‌باشد. از طرفی، واحد سنجش اکونومیست، معیارهای متنوعی را بر توسعه شهر زیست پذیر و پایدار به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنین شهر ارائه کرده است. در این

متعددی روبرو است که مدیریت شهری را با چالش‌های متعددی روبرو کرده است. در این زمینه ضعف دسترسی به خدمات و کمبود سرانه کاربری‌های خدماتی و مهم تر از آن کمبود فضای مسکونی بیشتر از سایر ابعاد کالبدی به چشم می‌خورد در نتیجه به نظر می‌رسد الگوی توسعه فضایی شهر مطلوب نیست و نیازهای شهروندان را نمی‌تواند جوابگو باشد. این مشکل در بررسی شاخص‌های کالبدی و تراکم جمعیت ملموستر است متغیرهای «آلودگی»، «کیفیت آب شرب شهری»، «بهداشت عمومی شهر»، «حمل و نقل»، «کاربری اراضی»، «مبلمان شهری»، «کیفیت بافت شهری»، «دفع فاضلاب»، «الگوی توسعه فیزیکی»، «سازگاری»، «سیمای کالبدی محلات» دارای روابط بسیار شدید و قوی هستند. این روابط بصورت دوجانبه با مؤلفه «امنیت» می‌باشد، در نتیجه به منظور زیست پذیری فضای شهری در زنجان ابتدا باید برنامه‌های مدونی حول محور مسکن، زیبایی شهر و محلات، آلودگی، و برآورده ساختن نیازهای شهروندان تدوین گردد.

نتیجه گیری

هدف این تحقیق دستیابی به مفهوم جامع بازآفرینی شهری در سطح محلی برای بالابردن کیفیت زیست پذیری شهری است و به دنبال آن راهکارهایی هویت بخش جهت بهبود وضعیت کالبدی - اجتماعی محله جاوید زنجان بوده است. ارزیابی و نتایج تحلیل‌ها نشان از آن دارد که انگاره‌های ترویج حیات مدنی و کیفیت

میانگین ۰٫۷۲ برای شهر زنجان و ۱٫۲ برای کشور)، آموزشی (با میانگین ۲٫۴ برای زنجان و ۰٫۵ برای محله ی جاوید)، فرهنگی (با میانگین ۰٫۲۵ برای زنجان و ۰٫۸ برای کشور و ۰٫۰ برای محله ی جاوید زنجان)، تجاری (با میانگین ۱٫۶۸ برای زنجان و ۲٫۴ برای کشور و ۰٫۹ برای محله ی جاوید زنجان)، تراکم ساختمانی (با میانگین ۸۸٫۲ برای زنجان و ۹۲ برای کشور)، و تعداد اتاق (با میانگین ۱٫۷۹ برای زنجان و ۲٫۲ برای کشور) در شرایط نامطلوب قرار دارد. این آمارها نیز نشان می‌دهد که ساکنین محله ی جاوید شهر زنجان به لحاظ دسترسی به خدمات بویژه خدمات بهداشتی و آموزشی نیز با مشکل مواجه هستند و کمبودهای متعددی در این زمینه به چشم می‌خورد در مقابل، وضعیت شاخص ریزدانی (با میانگین ۵۲٫۷ برای زنجان و ۴۷ برای کشور و ۲۴٫۳ برای محله ی جاوید شهر زنجان) مطلوب ارزیابی نگردیده است. در حالی که در شهر زنجان ۴٫۶۲ درصد از فضای شهری به فضای سبز اختصاص یافته است و این مقدار در سایر شهرهای کشور به طور متوسط ۷٫۶ درصد است در محله ی جاوید این مقدار برابر با صفر بوده و بزرگترین ضعف محیط از نظر ابعاد کالبدی، زیست محیطی، اجتماعی محسوب شده و این روند نشان می‌دهد که فضای تنفسی و اوقات فراغت در محله ی جاوید شهر زنجان در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که متغیرهای «توزیع مناسب ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی»، «شکل کالبدی بافت شهری»، «خیابان بندی و اسکلت شهری»، «کیفیت جابجایی مسافر توسط وسایل نقلیه عمومی»، «مساحت مناسب مسکن»، «استحکام اسکلت مسکن»، «کیفیت زیبای طبیعی محله»، «نظم نما و معماری بناها» و «الگوی توسعه شهری» تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی شهر، می‌تواند به عنوان شاخص‌های کلیدی در توسعه کالبدی و محیطی محله ی جاوید شهر زنجان برای ایجاد فضایی زیست پذیر و مطلوب در آینده باشند. در نتیجه به منظور بازآفرینی فضای شهری در محله، ابتدا باید برنامه‌های مدونی حول محور مسکن، زیبایی شهر و محلات، آلودگی و برآورده ساختن نیازهای شهروندان تدوین گردد. نکته مهم دیگر این بود که شاخص‌های ساعات کار مناسب وسایل نقلیه عمومی؛ رضایت از فضای کافی اتاق‌های مسکن؛ و آلودگی هوا؛ کیفیت آب شرب و سیستم شبکه فاضلاب وضعیت چندان مطلوبی براساس نتایج تحلیلی از پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS نداشتند. در همین زمینه سیاست‌های غلط مدیریت

پژوهش، در بخش مبانی نظری، تمامی ابعاد سنجش کیفیت زندگی توسط واحد سنجش اکونومیست شناسایی و تحلیل شد. براساس شاخص‌های مرتبط در این نظریه‌ها بازویست پذیری فضای شهری، شرایط موجود محله ی جاوید شهر زنجان طبق تحلیل‌های عینی و ذهنی ارزیابی شد. به طور کلی می‌توان گفت که برای محیط زندگی یا محیط شهری پایدار ویژگی‌هایی را می‌توان برشمرد که اهم آنها عبارتند از: تامین شرایط مناسب زندگی برای ساکنین محله، فراهم بودن امکان دسترسی به نور و هوای لازم برای کلیه شهروندان، ایجاد امکانات حمل و نقل و دسترسی به خدمات مورد نیاز در زمان مناسب و باقیمت متناسب، حفظ و تقویت هویت ملی، حفظ منابع طبیعی، امنیت انسان، حفظ رابطه انسان و طبیعت و از همه مهمتر فراهم آوردن امکان رشد و کمال معنوی انسان می‌باشد. باید توجه داشت که همه این ویژگی‌ها علاوه بر ظاهر درخویش‌واحد وجهی معنوی نیز می‌باشد که همین وجه مغفول مانده و تنها وجه اول مد نظر قرار می‌گیرند. یک شهر زیست پذیر به طریقی سازمان داده شده است که تمامی شهروندان آن ضمن رفع احتیاجات خود و بهبود بخشیدن به شرایط زیستی خویش، هیچ آسیبی به طبیعت وارد نیاورده و شرایط زیستی سایر انسانها را چه در زمان حال و آینده به خطر نیندازند. بنابراین شهر زیست پذیر، توسعه و رفاه و ارتقای کیفیت زیست محیطی و کالبدی (از طریق بازآفرینی شهری) را برای همگان فراهم می‌سازد. با این حال مفهوم شهر زیست پذیر، مفهومی پیچیده است و راه‌های دستیابی به آن ساده و آسان نیست. درک این پیچیدگی و همبستگی متقابل عملکردهای شهری، از عوامل مؤثر در ایجاد شه پایدار به شمار می‌آیند. بدین ترتیب شهر پایدار، توسعه منسجم و یکپارچه رادزمینه‌های کالبدی و زیست محیطی می‌طلبند. در تحقیق مذکور کوشیدیم با معیارهای مدنظر در دستیابی به زیست زیست پذیری به بهترین شکل بازآفرینی شهری رانیز رقم بزنیم. در همین راستا با استفاده از استانداردهای نتایج یافته‌های کمی نشان داد که در مقایسه وضعیت زیست پذیری محله ی جاوید شهر زنجان با متوسط کشوری، وضعیت شاخص ورزشی (با میانگین ۲٫۷۹ برای زنجان و ۰ برای محله ی جاوید)، مسکونی خالص (با میانگین ۴۰ برای زنجان و ۲۴٫۳ برای محله ی جاوید زنجان)، زیر بنا (با میانگین ۴۱٫۷ برای زنجان و ۲۶٫۲ برای محله ی جاوید زنجان) در مقایسه با متوسط شهر زنجان نامطلوب‌تر است. همچنین، وضعیت شاخص بهداشتی (با

- نظم بخشی به شبکه معابر شهری و افزایش ظرفیت شبکه معابر بویژه در بافت مرکزی شهری به منظور افزایش دسترسی‌ها و کاهش ترافیک.
- توزیع هسته‌های تجاری و فعالیتی شهری به نقاط مختلف به منظور تغییر مسیرهای حمل و نقل از لوپ مرکزی شهر به پیرامون و کاهش نقاط داغ ترافیکی در مرکز اصلی شهر.
- نظم بخشیدن به نمای ساختمان‌ها و معماری بناها (کیفیت منظر) و تقویت زیرساخت‌های شبکه معابر در زمینه نورپردازی، سلسله مراتب دسترسی‌ها، مبلمان و... جهت بهبود و ساماندهی کیفیت بصری شهرها.
- توسعه کاربری‌های فضای سبز و عمومی و ایجاد تنوع کاربری‌های عمومی.
- تقویت کیفیت مسکن شهری از طریق نظارت بر ساخت و ساز و اعطای تسهیلات و اعتبارات به شهروندان.

۲. ارتقاء توان‌های محیطی منطقه به منظور شاداب سازی فضای زیستی شهر بدور از هرگونه آلودگی ارتقاء توان‌های محیطی، برگرفته از رویکرد توسعه پایدار است این رویکرد بر توسعه شهری و منطقه ای بر مبنای توجه به ساختار و توان زیست محیطی شهر و پیرامون آن تأکید دارد، چرا که توسعه شهری همراه با آلودگی یکی از معضلات اصلی توسعه است. که این امر همراه با انواع آلودگی و بیماری‌ها برای شهروندان است و پویایی و حرکت به سمت جلو را برای شهر دشوار می سازد. در شهرزنجان بامعضل آلودگی ناشی از فعالیت صنایع سرب و روی این مسئله بیشتر به چشم می خورد. در این رابطه نواحی شرقی و جنوبی شهر، بیشتر در معرض آلودگی قرار دارند. لذا بسیار ضروری است که در مدیریت شهری به این مسئله توجه ویژه شود در این رابطه موارد زیر هم قابل توجه است:

- توجه به نظافت اماکن عمومی شهرها در زمینه کیفیت جمع آوری زباله، امنیت در مقابل آب گرفتگی معابر، نظافت سرویس بهداشتی عمومی، عدم وجود حیوانات مودی و ولگرد و...
- حفظ محیط زیست پیرامون شهر و ایجاد کمربندسبز در حاشیه اطراف آن و کاشت درختان جهت جلوگیری آلودگی به خاک و آبهای زیر زمینی و سطحی.
- اتخاذ تدابیر زیست محیطی در زمینه مهار آلودگی ناشی از کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی.
- کنترل و هدایت سیستم شبکه فاضلاب شهری.

شهری، در توزیع نامتوازن جمعیت و کمبود و گاه در نظر نگرفتن سرانه‌ها در زمینه عدم موفقیت در ایجاد محله ای زیست پذیر اشاره می‌کند. در این میان، آنچه که تحلیل شرایط زیست پذیری محله نشان می‌دهد علاوه بر مدیریت ناکارآمد ضعف رویکردهای مشارکتی نیز مشکل اصلی برنامه ریزی شهری بر مبنای رویکرد زیست پذیری و در پی آن عدم تحقق رویکرد بازآفرینی در راستای دستیابی به زیست پذیری است. بنابراین موضوع اصلی بویژه در محله ی جاوید، عدم مشارکت و عدم توزیع عادلانه منابع بین اقشار مختلف است. برای رسیدن به یک جمع بندی مطلوب در این زمینه و ایجاد ارتباط بین یافته‌های عینی و ذهنی پژوهش، فرضیه‌های مطرح شده در فصل اول بررسی می‌گردد تا چارچوب اصلی نحوه ی بازآفرینی محله در دستیابی به زیست پذیری در محله ی جاوید شهرزنجان آشکار گردد.

پیشنهادات

باتوجه باتحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات و نتایج حاصل از انجام این پژوهش به منظور بهبود شاخص‌های محیطی و کالبدی در راستای بازآفرینی محلی در راستای دستیابی به زیست پذیری محله ی جاوید شهرزنجان و حرکت به سمت عدالت محوری در توزیع خدمات و امکانات شهری بر اساس ظرفیت‌ها و کمبودها و نیازهای شهروندان پیشنهاداتی در جهت توسعه و ساماندهی محیطی-کالبدی زیست پذیری محله جاوید در شهرزنجان ارائه شده است مهم ترین پیشنهادهای راهبردی عبارتند از:

۱. ساماندهی ساختار کالبدی شهر و استفاده از تمام ظرفیت‌های کاربری اراضی شهر و بهبود فاصله دسترسی یکی از عوامل اصلی توسعه فضایی شهر، سیمای کالبدی مناسب است. این شاخص باید بازگوکننده ویژگی های درونی (ساختار فرهنگی و اجتماعی ساکنین) و بیرونی (شکل ظاهری ساختمان‌ها و مراکز عمومی و فضای زیست- محیطی و طبیعی پیرامون) شهر باشد و تناسب این دو می‌تواند به ایجاد یک فضای کالبدی مناسب و پایدار بیانجامد. در این زمینه، فضای کالبدی باید میزان تنش‌های درون شهری مانند ترافیک، دسترسی به خدمات و کاربری‌ها امنیت و... را به حداقل برساند. در این زمینه به منظور رسیدن به فضای کالبدی مناسب در شهر، رعایت موارد زیر ضروری به نظر می رسد:

• **اداره کل راه و شهرسازی** (با محوریت معاونت‌های دخیل در توسعه کالبدی و محیطی شهر): تدوین ضوابط و سازوکارهای شهرسازی نوین و بازنگری در ضوابط شهرسازی در رابطه با بازآفرینی شهری و احیاء بافت مرکزی شهری و نیز بازنگری در طرح جامع شهرزنجان به منظور تامین کمبود سرانه کاربری‌های کمتر از حد نصاب مصوبه شورای عالی و شهرسازی.

• **مرکز بهداشت و درمان و سازمان حفاظت محیط زیست:** با توجه به درجه اهمیت محیط زیست در توسعه شهری زیست پذیر و همچنین وجود صنایع آلاینده بویژه کارخانه سرب و روی و شهرک صنعتی روی در نزدیکی شهر، به نظر می‌رسد که این سازمان و مرکز بهداشت و درمان شهرزنجان وظایف سنگینی در قبال زیست پذیر نمودن شهرداری و کیفیت آب شرب شهری و کیفیت هوا در طولانی مدت وابسته به عملکرد این سازمان‌ها است، لذا گسترش دایره نظارتی سازمان محیط زیست و مرکز بهداشت و درمان استان زنجان، یکی از رویکردهای مهم در توسعه شهری زیست پذیر است.

• **استاندارد زنجان** (فرمانداری و بخش‌داری تابعه): این سازمان‌ها بیشتر جنبه سیاسی و نظارتی و ابلاغ فرامین و ضوابط کلی در سطح استان و شهرستان را دارند. لذا شناسایی نقاط ضعف و تاکید بر پتانسیل‌های داخلی و بیرونی شهرزنجان و نظارت بر حوزه مدیریت شهری از طریق ادارات مربوطه می‌تواند نقش این سازمان‌ها را در تامین و تقویت امنیت اجتماعی شهروندان که به عنوان مهمترین سناریوی زیست پذیری شهرزنجان مطرح است را پررنگتر نماید.

• توسعه همکاری بین سازمان‌های متولی مدیریت و توسعه شهری (شهرداری، میراث فرهنگی، مرکز بهداشت، آموزش و پرورش و...) به منظور تسریع در انجام امورات مدیریت شهری.

بافت‌های فرسوده، مجموعه ای از مسائل و مشکلات را دارا می‌باشند که به دلیل انباشت این مسائل در زمان طولانی، به حال خود رها شده اند. تسهیل بازآفرینی اینگونه بافت‌ها با تاکید بر مشارکت مردم از طریق تعامل تقویت مشارکت مردمی، اعتماد شهروندان را در نوسازی اینگونه بافت‌ها بیشتر کرده است و موجب تقویت انگیزه های مشارکت در آنان می‌شود. مشارکت، راهبرد و پایداری سه ضلع مثلث بازآفرینی راتشکیل می‌دهد هر سه ضلع مبنایی برای اقدام جامع و تفضیلی ارائه می

با توجه به دخیل بودن سازمان‌ها و نهادهای مختلف در امر توسعه فضایی شهر به منظور دستیابی به بازآفرینی محلی و به تبع آن زیست پذیر کردن بویژه در ابعاد کالبدی و محیطی، به نظر می‌رسد که هر کدام از سازمان‌های متولی توسعه شهری بویژه شهرداری، مرکز بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، راه و شهرسازی، میراث فرهنگی، سازمان محیط زیست و استانداری و شرکت‌های خدمات رسان (اداره برق، آب و گاز و مخابرات) دارای وظایف مشخص در زمینه ایجاد فضایی زیست پذیر هستند. چرا که توسعه شهری در وهله اول بستگی به عملکرد مدیران و سازمان‌های متولی توسعه شهری دارد. زیرا نتیجه هرگونه بدکارکردی ناشی از نابرابرهای اقتصادی-اجتماعی و از بین رفتن انسجام اجتماعی و فضایی، بی ثباتی و نابهنجاری در شهر، در وهله اول متوجه مدیریت شهری خواهد بود. از اینرو، در زیر برخی از این وظایف در قالب برنامه‌های پیشنهادی آتی ارائه می‌گردد:

• **شهرداری:** ارائه ساز و کار مدیریت کاربری اراضی و خدمات شهری جهت توزیع متعادل و متوازن خدمات شهری برای چهار منطقه شهری، جهت برخورداری تمام ساکنین شهر از خدمات شهری و فضای سبز شهری و ایجاد عدالت فضایی و صیانت از حقوق شهروندی؛ که نتیجه آن کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ترافیک شهری و جلوگیری از ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح محلات شهری است.

• **سازمان آموزش و پرورش:** به منظور تامین سرانه های آموزشی متناسب با سرانه‌های استاندارد و تلاش در راستای ارتقای آگاهی‌های شهروندان در ابعاد مختلف زیست پذیری بویژه در بعد اجتماعی.

• **سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری:** احیاء اماکن و بافت‌های تاریخی و باارزش شهری به منظور توسعه گردشگری و حفظ هویت تاریخی- فرهنگی شهرزنجان با توجه به اینکه رونق گردشگری یکی از مظاهر اصلی شهر زیست پذیر است، لذا این سازمان از طریق احیاء هویت تاریخی- فرهنگی شهر و توسعه گردشگری از طریق شناسایی پتانسیل‌های شهر، می‌تواند گام مهمی در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی شهرزنجان بردارد. در این رابطه به واسطه گردشگری نیز می‌توان زیرساخت‌های کالبدی شهر را تقویت نمود.

البقی، علیرضا (۱۳۸۸) «بافت تاریخی، حفاظت، مرمت، بهسازی یا نوسازی؟» نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، دوره ۱، شماره ۴، ۱۲۴-۱۱۳.

اشکوری، حسین (۱۳۹۱) «اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای» انتشارات پیام، تهران.

بندرآباد، علیرضا و فرشته احمدی نژاد (۱۳۹۳)، ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست پذیر در منطقه ۲۲ تهران، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار.

بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۰) شهر زیست پذیر؛ از مبانی تا معانی، انتشارات آذرخش، تهران.

حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۷)؛ مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

خراسانی، محمدمین (۱۳۹۱)، تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی مطالعه موردی شهرستان ورامین. رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمد رضا رضوانی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

خراسانی، محمدمین، رضوانی، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۱)، سنجش و ارزیابی روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی: شهرستان ورامین). پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.

داداشپور، هاشم، تدین، سپیده (۱۳۹۴) «شناسایی پهنه های همگن جریانی براساس جا به جایی فضایی و الگوهای سفر مطالعه موردی: منطقه کلان شهر تهران» مجله مطالعات شهری دانشگاه کردستان، دوره ۴، شماره ۱۴، ۶۱-۷۶.

رضوانی، محمد رضا؛ منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، «سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص ها، مدل ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، ۱-۲۶.

شکویی، حسین (۱۳۹۵)، «اندیشه نو در فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی»، تهران، انتشارات گیتاشناسی.

صحی زاده، مهشید و ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۳)؛ حفاظت و توسعه شهری، دورویکرد مکمل یا مغایر، مجله آبادی، شماره ۴۳، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

عبداللهی، مجید و همکاران (۱۳۸۸)؛ بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.

نماید و هریک نقش ویژه ای را در تسهیل گری بازآفرینی شهری ایفا می کنند، از این رو ضرورت و اهمیت بررسی عوامل موثر در تسهیل گری بازآفرینی بافت های فرسوده شهری و ارائه راهکارهای اساسی امری ضروری است. از طرف دیگر جلب حمایت و مشارکت افراد در پروژه های شهری، عامل مهمی است که دستیابی به آن می تواند تأثیر بسزایی در روند برنامه ریزی ها و اجرای طرح ها داشته باشد بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری، بخش اعظمی از سطح شهرهای کشور را تشکیل می دهند اگرچه این بافت ها به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست محیطی از عمده چالش های مدیریت شهری و نظام شهرسازی می باشند و برای کل گستره شهری یک تهدید جدی به شمار می آیند؛ با این حال مهمترین پتانسیل شهرها برای استفاده از زمین برای اسکان جمعیت، تامین فضاهای باز خدماتی و نیز بهبود محیط زیست می باشند متأسفانه اتخاذ سیاست های ناکارآمد در عرصه برنامه ریزی و مدیریت شهری در زمینه احیاء و بهسازی بافت های فرسوده نه تنها امکان استفاده مجدد و حداکثری از این موقعیت را به مخاطره افکنده بلکه به تدریج موجب فرسودگی و ناکارآمدی بخش قابل توجهی از بافت های مرکزی و میانی شهرها و ایجاد تضاد شدید بین بافت های شهری، به ویژه بافت های جدید که با تغییرات در نقش عملکردی خدماتی شهرها ایجاد شده اند، با بافت های فرسوده که توان تطابق با این تغییرات را نداشته اند، گردیده است ظهور رویکردهای جدید از جمله بازآفرینی در جهت باززنده سازی بافت ها است که رشد و تعالی رافراهم می کنند. مسلماً فضاهای شهری بیش از حد فرسوده، مخروبه و بیغوله ها، بستر سازی ناهنجاری های اجتماعی نیز می گردند و مکان هایی افسرده، مغشوش، ناامن و بدون مشارکت ساکنان را پی می ریزند به همین دلیل ضرورت توجه بیش از پیش را برای مدیران و شهروندان افزایش می دهد در واقع با بازآفرینی این بافت ها می توان به ارزش های فرهنگی و تاریخی آنها و همچنین بهبود کیفیت زندگی دست یافت.

منابع

- Milbrath. (2008). A Better Way to Zone: Ten Principles to create More Livable Cities. Washington, D.C , USA: Island Press.
- Norris, Tyler and Mary Pittman (2000) "the health community's movement and the coalition for heal their cities and communities", public health reports 115: 118-124
- Roback, Benjamin (2012), Politics, markets and lifesatis faction: the Political economy of human happiness, American Political science Review Ray Old Berg (1991), the Great Goog place.
- Schuessler et al, Irene (2005), Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual frame work and demarcation, Land Scape and urban planning.
- Sun. Greer L. d and p. Danaghy (2009), livability Audit of mackay Whitsunday – Region. Technical report. Mackay Whitsunday Regional Economic Development Corporation (REDC).
- Wheeler (2001), Planning Sustainable and livability cities, Stephen.
- Who gol group. (2013), Livability Principles in Practice from the FHWA/FTA Livability in Transportation Guidebook.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹)؛ اصول نوسازی شهری، رویکردی تو به بافتهای فرسوده، تهران، انتشارات آذرخش.
- عینی لو، ع.ا، بیات، م.و، بهرامی، ع.ع (۱۳۹۳) «نگاره زیست پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی، مطالعه موردی: شهرستان ق بخش کهک»، مجله مسکن و محیط روستا. ۱-۱۲۰.
- کامروا، سید حمد علی (۱۳۸۹)، شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، م (۱۳۹۱) «ارائه الگوی فضائی توسعه شهری برمبنای اصول شهر زیست پذیر»، نشریه مهندسی ساختمان، شماره ۴۷، ۱۰۸-۱۱۰.
- موحد، علی، صمدی، سپیده (۱۳۹۰) «ارزیابی کمی و کیفی اراضی شهری» پژوهشگاه جغرافیای انسانی، شماره ۴، ۴۵-۶۶.
- Cities plus (2003) "A sustainable urban system": the long term plan for greater Vancouver, cannada, cities plus
- Cowan,R (2005),"The Dictionary of Urbanism" Streetwise Press,London.
- Evans, P., (ed.), 2002. Livable Cities? "Urban Struggles for Livelihood and Sustainability University of California Press Ltd": USA, pp.: 2-30.
- Fan, J& Kwan, m & Yu, J (2017), Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. Journal homepage: www.Elsevier.com/locate/cities.
- Galdini, Rosanna (۲۰۰۵), Urban Regeneration process: the case of Geneva, an example of integrated urban development approach department of sociology and science.
- George.Perogordo Madrid, Daniel (2011). The Silesia Megapolis, European spatial planning.
- Heep (2011), a livable city study in china: Usiny structural Equation model, thesis submitted in statistic, department of statistics Uppsala university.
- Larice, M.Z., (2005), Great Neighborhood: The livability and morphology of High Density Neighborhood in North America, PhD Dissertation, University of California, Berekeley.
- Litman, T.A. (2012). Community Cohesion as a Transport planning Objective. Victoria Transportation Policy Institute.